



پایگاه تبیینی  
و تحلیلی جریان‌شناسی  
[www.Didban.ir](http://www.Didban.ir)



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع  
رسانی می‌باشد.

الجمهورية  
البحرينية



## درباره‌ی مردی که هیچگاه از مواضعش عدول نکرد!

(مروری بر کارنامه‌ی سیاسی حضرت آیت الله مهدوی کنی در بحران‌ها و بازه‌های حساس انقلاب اسلامی)  
سید جواد حسینی

هم پیدا نکردیم چه رسد به اصلح. من معتقدم ایشان هم از نظر مدیریت و هم از نظر تقوا در جایگاه رفیعی است، چون ما به عنوان نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره رهبر بحث می‌کنیم...» (۱)

### ۱. اشاره:

جوامع همواره محمل بحران‌ها بوده و هستند اما بحران‌های سیاسی اثراتی عمیق‌تر برجای گذاشته و گاه سرنوشت یک جامعه را تغییر می‌دهند. رهبران جوامع همواره تلاش می‌کنند تا با مدیریت بحران‌ها، آسیب‌ها و خسارت‌ها را به حداقل برسانند. برای رسیدن به این هدف یعنی مدیریت بحران‌ها و فتنه‌ها؛ رهبران همواره به یارانی صدیق و مورد اعتماد نیاز دارند تا به عنوان بازوان رهبران؛ آنها را یاری دهند. به عبارت دیگر همواره در زمان‌هایی که بحران‌ها شکل می‌گیرند؛ این رهبران و بازوان مورد اعتماد آنها هستند که تلاش می‌کنند آتش فتنه فرو نشانند تا بحران‌ها و فتنه‌ها کمترین ضربه را به جامعه و نظام اجتماعی وارد کنند. در بحران‌های سیاسی این تلاش سخت‌تر است، چرا که یافتن شخصیت‌ها و یارانی باینش سیاسی صحیح، جامع و عمیق برای مدیریت بحران‌ها دیرپاب خواهد بود. یاران و بازوانی که با داشتن بینش عمیق سیاسی، قدرت شناسایی جریان‌ها را قبل از بروز بحران و فتنه دارند.

حضرت آیت الله مهدوی کنی از جمله چهره‌ها و شخصیت‌های انقلابی هستند که نیازی به معرفی ندارند اما از ابعاد مهم این شخصیت آن است که ایشان در بازه‌هایی که انقلاب و نظام



«... بعد از امام، من حیث المجموع، چه از نظر اجتهادی که توأم با رهبری است - و نه اجتهاد مطلق - و چه از نظر اداره کشور در بحران‌های مختلف، ما مثل ایشان (آیت الله خامنه‌ای) سراغ نداریم. خداوند ایشان را تا ۱۲۰ سال نگه دارد. من خودم این جور باور دارم و از روی عقیده حرف می‌زنم، نه از روی مصلحت‌اندیشی. چه در زمانی که بنا شد ایشان رئیس‌جمهور باشند و بنده نخست‌وزیر، چه بعد از رحلت امام که ایشان رهبر شدند، در این ۲۰ و چند سال، من واقعاً به عقیده خودم عمل کرده و روی عقیده‌ام ایستاده‌ام و در تمام این نوساناتی که واقع شد و با تمام مشکلاتی که بود، اعتقادم این بود که رهبری ایشان منحصر به فرد است و ایشان خوب می‌توانند مملکت را اداره کنند و باید ایشان را تأیید کرد؛ لذا در همه این بحران‌ها و بالا و پایین رفتن‌ها و با همه نوسانات، اعتقاد من این بوده است که باید ایشان را تأیید کرد. اصلح ایشان است و ما صالحش را





مهدوی ظهور کند انتظار می رود تأثیرات آن مضاعف گردد. انشاء الله سید علی خامنه ای، ۲۷ خرداد (۲)

البته باید بیان داشت که هر چند همواره ملاک حال فعلی افراد می باشد اما در این مجال درصددیم که بیان کنیم حضرت آیت الله مهدوی کنی به عنوان یک شخصیت انقلابی همواره با انقلاب و امام و رهبری بوده و تلاش کردند با هزینه کردن از خود، از انقلاب و ولایت فقیه حفاظت کند. این بررسی و کندوکاو گذشته از آن روست که ابعاد حضور ایشان را در دوران فعلی بهتر درک کنیم. هر چند ایشان اصرار چندانی بر برجسته سازی نقش خود در جریان حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی ندارند اما بی شک نقش ایشان در بحران هایی که انقلاب آنها را پشت سر گذاشته بی بدیل است. ایشان در کتاب خاطرات خود این روحیه ی خود را اینگونه شرح می دهند: «این نکته رانیز خدمت شما عرض کنم که من معمولاً سعی می کردم در جریانات حضور ملموس و مشهود نداشته باشم. این خصلتی است که در من وجود دارد، شاید هم خوب نباشد. به همین جهت در تمام جریانات، غیر از آنجاهایی که ضرورت داشته، ظاهر نمی شدم و معمولاً پشت پرده بودم. در عین حال کارهای بزرگ داشتم، ولی در همان کارهای بزرگ هم خودم را نشان نمی دادم. بالطبع این گونه بودم. ولی الآن هم همین طور باشد و به همین جهت من در آن روزی که امام تشریف آوردند با اینکه جزو شورای انقلاب بودم و قاعدتاً باید با دوستان دیگر جلو باشم، ولی آنجا هم جلو نبودم...» (خواججه سروی، ۱۳۸۵،

اسلامی دچار بحران و فتنه می شد حضوری برجسته داشته و همواره مورد اعتماد و اطمینان امام و رهبری نظام قرار گرفته اند. به عبارت دیگر با توجه به ویژگی های که در شخصیت آیت الله مهدوی کنی وجود دارد؛ رهبران انقلاب اسلامی در بازه های حساسی که انقلاب و نظام اسلامی دچار بحران یافته می شده از این یار صدیق استفاده کرده و می کنند.

با مراجعه به صحیفه ی حضرت امام (ره) در می یابیم که در نامه ها و احکامی که به نام ایشان صادر شده؛ صفات و ویژگی هایی نظیر: فقاقت، وثاقت، امانت، حسن تدبیر و مدیریت، اعتماد و... (صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۹، ص ۷۱) به عنوان مهمترین خصوصیات این شخصیت از سوی حضرت امام (ره) بیان شده است.



همچنین در دوره ی رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نیز نوع رابطه ی آیت الله مهدوی کنی با مقام معظم رهبری و سخنان رهبری در مورد این شخصیت؛ نشان از ادامه ی صفات قبلی در سال های بعد از رحلت امام خمینی (ره) دارد. رهبر معظم انقلاب برای تجمع بسیجیان دانشگاه امام صادق علیه السلام، پیامی ارسال نمودند که خود دلیلی برای این ادعاست: «روحیه و احساس ناب بسیجی آنگاه که با دانش و اندیشه ورزی در آمیخته شود جوهره ای عزیز و کارآمد پدید خواهد آورد که کلید رهگشای هدف های بزرگ تواند شد، و آنگاه که این پدیده در دانشگاهی که مفتخر به مدیریت روحانی عالیقدری چون آیت الله آقای

ص ۱۹۷)

در این مجال درصددیم با توجه به نقش و جایگاه این شخصیت ارزشمند انقلاب اسلامی، برهه ها و بازه های بحرانی از تاریخ انقلاب اسلامی که این شخصیت به عنوان یار و یاور امام و رهبری حضور یافته و تلاش کرده اند تا انقلاب و نظام اسلامی را از گزند حوادث دور سازند بپردازیم.

این مطلب به دو بخش عمده تقسیم می شود. بخش اول اشاره به مسئولیت هایی دارد که ایشان در بازه های حساس انقلاب پذیرفته و در قسمت دوم تلاش شده تا احکامی که در موارد مختلف به نام ایشان و از سوی رهبران نظام جمهوری اسلامی صادر شده مورد بررسی قرار گیرد.

### الف) برهه های حساس و بحرانی

#### ۱. روزهای انقلابی؛ شورای انقلابی

در تب و تاب وقوع انقلاب اسلامی در ماه های پایانی سال ۵۷ شورایی تشکیل شد که اعضای آن وظیفه ی مدیریت جامعه ی طوفان زده و انقلابی ایران را بر عهده داشتند، از این رو در شرایط بحرانی منتهی به انقلاب اسلامی به شدت وجود شورایی از معتمدین و معتقدین به انقلاب و رهبری حضرت امام (ره) خالی می نمود. به دنبال احساس این خلاء؛ امام (ره) تصمیم گرفتند قبل از خارج شدن کنترل امور از دست رهبری انقلاب و تصرف انقلاب توسط نیروهای منحرف و یا ورود افراد غیر معتقد به داخل خانواده ی انقلاب؛ اقدام به تشکیل شورایی با عنوان شورای انقلاب کنند. طرح این شورا پس از هجرت حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۷/۷/۱۳ از عراق به فرانسه

و استقرار در دهکده ی نوفل لوشاتو در حومه ی پاریس؛ پایه ریزی شد. با هجرت امام (ره) به فرانسه، رفت و آمد یاران ایشان از ایران به فرانسه برای تبادل نظر و هدایت موثر انقلاب شدت یافت. در یکی از ملاقات های امام (ره) با استاد شهید مطهری (ره) صحبت از شورای انقلاب شد تا با تدبیر و هدایت این شورا در داخل کشور، انقلاب ضربه نهایی را بر پیکر رژیم وارد آورد. امام (ره) در نامه ی خود به مرحوم شهید بهشتی (ره) به دو نکته ی سرعت در تشکیل شورای انقلاب و استفاده از شخصیت های مورد اعتماد تأکید می کنند. «بسمه تعالی. پس از اهدای سلام و تحیت، وقت دارد سپری می شود و من خوف آن دارم که با عدم معرفی اشخاص، مفسده پیش آید. بنا بود به مجرد آمدن ایشان (م. ط) (منظور شهید مرتضی مطهری است) با اشخاص مورد نظر یکی یکی و جمعی ملاقات کنید و نتیجه را فوراً به این جانب اعلام کنید. و نیز مرقومی که معرف باشد با خط و امضای عدد معلوم بفرستید. من در انتظار هستم و باید عجله شود، و نیز استفسار از بعضی آنها برای مسافرت به خارج. در هر صورت همه موضوعات که به شما و ایشان تذکر داده شد، لازم است با عجله انجام گیرد و اگر اشخاص دیگری نیز پیدا شد ملحق شود.

و السلام» (صحیفه امام (ره)، ج ۴، ص ۳۰۷)

آیت الله مهدوی کنی در خاطرات خود در مورد تشکیل شورای انقلاب و عضویت در آن می گویند: «در همین ایام بود که بحث شورای انقلاب مطرح شد. البته ما از مسافرت های آقایان اطلاع داشتیم... در آن زمان مرحوم شهید مطهری (ره) بیشتر از همه در ارتباط با امام بودند. بعد هم جناب شهید بهشتی بودند که افراد را به امام پیشنهاد می دادند و ایشان هم اگر می پذیرفتند بعد به آنها اعلام می کردند و موافقت آنها را می گرفتند... مسأله ی تشکیل شورای انقلاب در آن زمان چیز بسیار هراسناکی بود البته خطرناک هم بود که در آن زمان تعدادی از روحانی و غیر روحانی به عنوان شورای انقلاب؛ یعنی انقلاب علیه دستگاه جمع بشوند و به منظور تأسیس دولت انقلاب تشکیلاتی درست کنند... یادم می آید که آیت الله مطهری، آیت الله طالقانی، بنده، آیت الله خامنه ای، آقای هاشمی، و آقای باهنر بودیم. شورای انقلاب چند تغییر و تحول داشت،...» (خواجگه سروی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳) بی شک حضور در شورای انقلاب و تشکیل کانونی برای مدیریت جامعه ی انقلابی ایران، اقدامی بود که در صورت



امام خمینی (ره) در پیام خود خطاب به ملت ایران برای شرکت در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب را به منزله‌ی مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کنند. «... من از شما می‌خواهم که تا انعقاد مجلس شورای اسلامی که شورای انقلاب به منزله آن است، از شورای انقلاب اسلامی و از افراد آن شورا که خدمتگزار به اسلام و به ملت و مورد تأیید این جانب هستند پشتیبانی نمایید. من از شورای انقلاب می‌خواهم که به خدمت صادقانه خود ادامه دهند و از همه اعضای دولت، چه کشوری و چه لشکری می‌خواهم که صادقانه با آنان همکاری نمایند و چون برادران با وفا از هم پشتیبانی کنند و چنانکه دستور اسلام است، ید واحده بر «مَنْ سَوِيَ» باشند.» (صحیفه امام (ره)، ج ۱۲، ص ۱۵۱)

به عبارت دیگر با توجه به چپش اعضای شورای انقلاب تحت اشراف امام خمینی (ره)، این شورا متناسب با جریانات و تحولات کشور پس از شور و مشورت تلاش می‌نمود با اتخاذ بهترین راه حل - متناسب با حال و هوای انقلابی - و بعد از تأیید امام خمینی (ره) دولت موقت را مأمور به اجرای آن نمایند. بعد از استعفای دولت موقت شورای انقلاب خود عهده دار امور اجرایی تا استقرار ارکان نظام جمهوری اسلامی شد. بعد از استعفای دولت موقت امام خمینی (ره) دستور دادند تا روحانیون شورای انقلاب عملاً مدیریت اجرایی بخش‌های مختلف جامعه‌ی انقلابی را تا استقرار نهادهای نظام بر عهده بگیرند. بخش مهمی از فعالیت شورای انقلاب که با موجودیت آن نیز در ارتباط بود «برنامه‌ها و تصمیمات شورا» بود. از مهمترین اهداف این شورا زمینه‌چینی برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی و مشخص نمودن افراد مفید برای تأسیس حکومت اسلامی بود. اعضای شورا در ارتباط دائم با امام خمینی (ره) بودند. (خواججه سروی، ۸۵، ص ۱۸۲-۱۸۵ و کردی، ۸۵، ص ۱۰۵) آیت الله مهدوی کنی در خاطرات خود با ذکر تحولات سریع جامعه‌ی انقلابی در سال ۵۷ بیان می‌دارند: «... کارهای اجرایی خیلی تند و بحرانی بود... مادر شورای انقلاب گرفتار کارهای روزمره بودیم و جریانات روز اجازه نمی‌داد تا آقایان بنشینند و با طرح‌های مطالعه شده و هماهنگ با اوضاع برای اداره‌ی این انقلاب عظیم اسلامی برنامه ریزی کنند و تا حدودی مسأله‌ی طبیعی بود و شاید جز آن راهی وجود نداشت...» (خواججه سروی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴) در حقیقت ترکیبی

کشف آن از سوی رژیم پهلوی، مطمئناً سرنوشتی جز اعدام در انتظار اعضای آن نبود. هر چند این تصمیم در آذر ماه اتخاذ شد و شورای انقلاب تشکیل شد، اما موجودیت آن رسماً در دی ماه اعلام گردید. (کردی، ۸۵، ص ۱۰۵)

امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۷ با ارسال پیامی خطاب به ملت ایران وجود تشکیلی به نام شورای انقلاب را آشکار نمود. متن پیام به این شرح بود: «بسم الله الرحمن الرحیم، سلام و تحیت بر ملت قهرمان و شریف ایران! سلام بر شهدای راه حق!... به موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این جانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام «شورای انقلاب اسلامی» مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد. اعضای این شورا در اولین فرصت مناسب معرفی خواهند شد. این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است؛ از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تأسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد...» (صحیفه امام (ره)، ج ۵، ص: ۴۲۶-۴۲۷) در متن پیام امام (ره) اعضای شورای انقلاب را تأیید نموده و آنان را افراد مورد وثوق خطاب کرده اند.



بدین ترتیب پایه‌ی شورای انقلاب هنگام اقامت امام خمینی (ره) در پاریس ریخته شد. در آذرماه ۱۳۵۷ به دستور امام اعضای آن انتخاب شدند و برنامه ریزی‌ها و اقدامات لازم برای مراحل بعدی انقلاب و تشکیل دولت انتقالی فراهم شد. اهمیت و جایگاه شورای انقلاب و اعضای آن آنگاه مشخص می‌شود که در بایم

بودند به پشتیبانی و حمایت از این نهضت روی آورده و تلاش نمودند تحت رهبری امام خمینی (ره) به اهداف خود برسند. این جریان به دلیل دارا بودن ظرفیت‌هایی مختلف و همچنین پایگاه اجتماعی عمیق تلاش نمود تا توان خود را برای برقراری حکومت اسلامی بر اساس نظریه ولایت فقیه به کار بندد. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به: نهاد مرجعیت، نهاد مسجد، گسترده‌گی و پیوستگی شبکه روحانیت، ظرفیت ماه‌های محرم و رمضان و فرهنگ عاشوراء، وجوهای شرعی، اعتماد جامعه به قشر و طبقه روحانیت و ... را نام برد. یک از مهمترین تشکل‌های جریانی انقلاب اسلامی در مراحل مختلف به ایفای نقش پرداخت. این تشکل در سال ۱۳۵۶ تحت نظر امام خمینی (ره) به فعالیت خود نظم سازمانی و تشکیلاتی بخشید. آنچه که از خاطرات مؤسسان اولیه «جامعه روحانیت مبارز» استنباط می‌شود آن است که این تشکل از سال ۱۳۴۲ یعنی پس از قیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به صورت غیر رسمی تأسیس شده بود اما شکل تشکیلاتی و رسمی آن که با نوشتن اساسنامه همراه بوده؛ مربوط به سال ۱۳۵۶ می‌باشد. (خواججه سروی، ۸۵ ص، ۱۷۳) از جمله وظایفی که این تشکل بر عهده گرفت، می‌توان به: رساندن پیام امام خمینی (ره) به تمام نقاط ایران، سازماندهی اعتصابات و تظاهرات سراسری، ساماندهی تظاهرات تهران، تهیه قطع‌نامه‌ها، جهت‌دهی به خواست‌های مردم، تعیین شعارهای اصلی، مشاوره و رایزنی، جمع‌آوری پیشنهادات و طرح‌ها و عرضه‌ی آن به امام خمینی (ره)، جمع‌آوری کمک‌ها و توزیع آن، تبیین استراتژی برای امامان جماعات و آموزش آنان برای بسیج مردم، تأسیس کمیته‌های انقلاب بعد از پیروزی انقلاب، اعلام مواضع، جلوگیری از انحراف انقلاب و ... اشاره نمود.



که در شورای انقلاب شکل گرفته بود به عنوان بازوان و یاران امام (ره) تلاش داشتند تا تحولات و بحران‌ها را مدیریت نمایند. بدیهی بود که حضور شخصیت‌های مورد وثوق و مدیر در این بازه‌ی زمانی چقدر مهم و تأثیرگذار بوده است.

### ۲. کمیته‌ی استقبال و خطرات آن

وقتی حضرت امام (ره)، تصمیم به بازگشت به وطن گرفتند، انقلابیون برای برگزاری مراسم استقبال و نیز حفاظت از جان ایشان اقدام به تشکیل کمیته‌ی استقبال از امام کردند تا مهم‌ترین تشریفات را بر عهده بگیرد و هم از ایشان حفاظت نماید. اولین جلسه‌ی این کمیته‌ی در مدرسه‌ی رفاه برگزار شد و در آن جلسه، اعضای شورای مرکزی این کمیته بر گزیده شدند. با تماس امام (ره) با شهید مطهری (ره) مبنی بر تصمیم امام (ره) برای ورود به ایران، کمیته‌ای از شخصیت‌های مورد اعتماد و اطمینان برای تدارک زمینه‌ی امنیتی و انتظامی تشکیل شد. از جمله شخصیت‌هایی که به اشاره‌ی شهید مطهری (ره) در این کمیته حضور داشت، آیت الله مهدوی کنی بود. ایشان در کتاب خاطرات خود در این زمینه می‌گویند: «امام پس از مدتی توقف در پاریس، عازم تهران شدند، دولت بختیار مانع ورود امام شد و فرودگاه‌ها را بست. به دنبال این اقدامات، آقایان علما از بلاد مختلف به دانشگاه تهران آمدند و در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. بنده چون در کمیته‌ی استقبال بودم در آنجا تحصن دائم نداشتم. عده‌ای سبانه روز در آنجا بودند و بعضی‌ها هم به آنجا آمد و رفت می‌کردند. بنده از آنها بی‌بوم که می‌رفتم و می‌آمدم.» (خواججه سروی، ۱۳۸، ۱۳۸۵)

آنچه از خاطرات مبارزین آن دوره استنتاج می‌شود آن است که حضور و فعالیت در کمیته‌ی استقبال برای محافظت جان امام (ره) بسیار مهم بوده و شهید مطهری (ره) با دقت و وسواس زیادی در گزینش افراد تلاش داشتند تا از حوادث ناگوار جلوگیری نمایند. از طرف دیگر حضور در این کمیته و برنامه‌ریزی برای حضور امام (ره) در ایران از نگاه رژیم طاغوت خود جرمی سنگین بود.

### ۳. جامعه روحانیت مبارز؛ بازوان امام و رهبری

بعد از شروع نهضت امام خمینی (ره) بخشی از جریان روحانیت که معتقد به منش و مکتب سیاسی امام خمینی (ره)



گونه چراغانی و مبادله‌ی تبریک بر گزار می‌شود و با برقراری سخنرانی‌های آگاه‌کننده و بیداری بخش بر جراحات قلب مقدس آن حضرت مرهم گذارده شود» (اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ۱۳۷۴، ص ۳۲۳)

اما مهمترین اقدام جامعه روحانیت مبارز در سال ۵۷ اقامه‌ی نماز عید فطر به امامت آیت‌الله شهید مفتاح و سخنرانی شهید دکتر باهنر بود. این نماز در حقیقت هیمنه‌ی رژیم را در پایتخت شکست. جمعیت این نماز را تا حدود ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده بودند. بعد از اتمام نماز، جمعیت نماز گزار از قیطریه‌ی تهران تا میدان راه آهن به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. دست اندر کار اصلی این برنامه جامعه روحانیت مبارز بود که توانست با برنامه ریزی کارآمد فضای پایتخت را به نفع شور انقلابی تغییر دهد. امام خمینی (ره) با ارسال اعلامیه‌ای از این اقدام جامعه‌ی روحانیت مبارز تقدیر و تشکر کردند (صحیفه امام (ره)، جلد ۳، ص ۴۵۴) به این ترتیب جامعه روحانیت مبارز توانست با عنوان بازوی اجرایی امام خمینی (ره) در کوران حوادث اوایل انقلاب نقش اول را در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کند. نقش و تأثیرگذاری جامعه روحانیت مبارز تنها به قبل از پیروزی نهضت محدود نشد بلکه پس از پیروزی نهضت نیز این تشکل تلاش نمود تحت رهبری‌های امام خمینی (ره) به وظایف خود عمل کند. با توجه به شخصیت‌های تأثیرگذار مؤسس در تشکلی جامعه روحانیت مبارز و با توجه به قبول مسئولیت‌های متعدد و حساس در جریان انقلاب و همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به نقش این تشکل و مؤسسان آن در پیشبرد اهداف انقلاب پی برد. انتصاب شخصیت‌های تشکل جامعه روحانیت توسط حضرت امام (ره) در مناصب مختلف نظام نوپای انقلاب اسلامی و در رأس آنان شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی نشان از جایگاه این تشکل و شخصیت دارد. حضور فعال اعضای این تشکل در نهادهایی نظیر شورای انقلاب، کمیته‌هایی انقلاب، کمیته‌ی استقبال، وزارت کشور، دولت موقت، نخست وزیری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای انقلاب فرهنگی، هیئت حل اختلاف سران قوا، بازسازی مناطق جنگ زده و ... دلیلی بر این مدعاست. نقش جامعه روحانیت مبارز تنها به دوران امام (ره) منتهی نشد. حضور فعال این تشکل و اعضای برجسته‌ی آن در مناصب مختلفی نظیر ائمه جماعات

با بررسی شرایط و موقعیت سیاسی-اجتماعی جامعه‌ی ایران در سال ۱۳۵۶ از نقش تأثیرگذار جامعه روحانیت بیشتر آگاه می‌شویم. سال ۱۳۵۶ که با تشکیل و اعلام موجودیت «جامعه روحانیت» همراه بود دارای تحولات عمیق و سریع بود. در زمستان ۱۳۵۶ با مرگ مشکوک آیت‌الله مرحوم سید مصطفی خمینی (ره) بار دیگر نام امام (ره) به صورت وسیع بر سر زبان‌ها افتاد و موجی از تحریک و شور انقلابی را ایجاد نمود. این اتفاق فرصتی را برای نیروهای مذهبی به وجود آورد تا اعتقاد و احترام قلبی خود را نسبت به رهبر انقلاب بروز دهند. محافل ختمی که به این منظور تدارک دیده شد و همچنین سیل تلگراف‌های علمای مناطق مختلف برای امام خمینی (ره) رژیم را در حالت انفعال قرار داد. با انتشار مقاله‌ای توهین آمیز در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه‌ی اطلاعات؛ شهر قم به عنوان اولین شهر در اعتراض به این اقدام رژیم در روز ۱۹ دی به پا خاست. واقعه ۱۹ دی و بروز و ظهور نیروهای مذهبی باعث شد تا روحانیت بتواند رهبری جریان مخالف رژیم طاغوتی را به دست بگیرد. جامعه روحانیت در تقارن با سال جدید و نوروز سال ۱۳۵۷ با صدور اعلامیه‌ای سال نو را سالی خواند که با درد و رنج همراه است و باید با احساس عمیقی از احترام به شهیدان قم و تبریز و همدردی با خانواده‌های مصیبت زده‌ی آنان آغاز کرد. در خرداد سال ۱۳۵۷ نیز جامعه روحانیت مبارز به تبعیت از امام (ره) اعلامیه‌ای صادر نموده و از مردم خواست تا با مقاومت منفی، یاد و خاطره واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ را گرامی بدارند. در متن این اعلامیه آمده است: «روحانیت تهران به پیروی از مراجع عظام اعلام می‌دارد: چون اوضاع و احوال کنونی ایران نشان می‌دهد رژیم در نظر دارد پانزده خرداد دیگری به وجود آورد، چه بهتر آنکه شکوه و عظمت این روز تاریخی امسال با مقاومت منفی نشان داده شود...» (اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ۱۳۷۴، ص ۳۰۹) همچنین جامعه روحانیت مبارز به پیروی از حضرت امام (ره) در تحریم جشن‌های نیمه شعبان و چراغانی با صدور اعلامیه‌ای تلاش نمودند تا پیام حضرت امام (ره) در این رابطه با فراگیری هر چه بیشتر اجرا شود. در این اعلامیه آمده است: «با الهام از اعلامیه مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت‌الله العظمی آق‌ای خمینی اعلام می‌داریم که مراسم با شکوه میلاد مسعود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه امسال بدون هیچ

کنند و از اعمال خلاف شرع و خلاف مسیر نهضت به شدت جلوگیری نمایند». (صحیفه‌ی امام، ج ۶، ۱۲۸-۱۲۹). بلافاصله پس از صدور این فرمان، کمیته‌های انقلاب اسلامی در مساجد سراسر کشور تشکیل و در زمینه‌ی تأمین امنیت کشور به ویژه تهران مشغول به کار شدند. این کمیته‌ها بر اساس فرمان امام (ره) به بازگرداندن آرامش به جامعه می‌پرداختند و به خصوص در جمع‌آوری سلاح از دست مردم و نیز مقابله با ضد انقلاب فعال بودند. لزوم سازماندهی این نیروها و استقرار آرامش باعث شد تا حضرت امام (ره) در ۱۳۵۸ در حکمی آیت‌الله مهدوی کنی را به فرماندهی کمیته‌های انقلاب اسلامی منصوب نماید. آیت‌الله مهدوی کنی در کتاب خاطرات خود نحوه‌ی صدور حکم فرماندهی کمیته‌های انقلاب را این گونه بیان می‌کنند: «امام در آن وقت در مدرسه‌ی علوی تشریف داشتند. ما با دوستان در روز دهم یا یازدهم اسفند نشسته بودیم. این قدر یادم هست که مرحوم شهید بهشتی، شهید باهنر، آقای هاشمی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله محلاتی، آیت‌الله شاه‌آبادی و آقای ناطق‌نوری در آن جلسه حضور داشتند. در اتافی نشسته بودیم و از جریانات و اوضاع مملکت صحبت می‌کردیم.

ساعت حدود یازده و نیم بود که ناگهان مرحوم شهید مطهری سراسیمه از اتاق دیگر وارد شدند و گفتند: چه نشسته اید که امکان دارد فاجعه‌ای رخ دهد. گفتم چه شده؟ گفتند: الان این نهضتی‌ها و بعضی از این وزرای نهضت، اینها با آقای لاهوتی در محضر امام هستند و امام، حکم فرماندهی نیروهای انقلابی را برای آقای لاهوتی نوشته‌اند و بناست ساعت یازده از رادیو پخش شود و این فاجعه است. نه از جهت خود آقای لاهوتی که خود آقای لاهوتی آدم بدی نیست، ولی ایشان فردی عاطفی و به یک معنا احساسی و ساده است و اینها دورش را گرفته‌اند و ممکن است رنگ حیاتی انقلاب؛ یعنی نیروهای مسلح انقلاب را در اختیار اینها قرار دهد و این خیلی خطرناک است... آقای مطهری در اینجا هم با انگیزه‌ی نجات امت به پا خاستند و از آقایان استمداد طلبیدند. آقایانی که نشسته بودند گفتند: حالا چه کار کنیم؟ امام برای ایشان حکم می‌نویسد. ایشان فرمودند یکی از شماها مسئولیت کمیته‌ها را بپذیرد، بعد یک فکری می‌کنیم. ایشان گفتند برای اینکه از دست این آقایان نجات پیدا کنیم یک نفر از شما مسئول این کار بشود. تک تک گفتند که شما قبول



و جمعه‌ی سراسر کشور، فقهای شورای نگهبان، اعضای مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و هدایت و رهبری نیروهای اصول‌گرا در انتخابات متعدد مجلس، شوراهای اسلامی و ریاست جمهوری از جمله نقش‌ها و حضور این نهاد پر قدرت در بره‌های حساس انقلاب و نظام است. نقش و جایگاه آیت‌الله مهدوی کنی در تشکیل و دبیر کلی این نهاد مقدس در سال‌های قبل و بعد از انقلاب نیز جای بحث و بررسی دارد. تشکیل نهادی به عنوان بازوی ولایت فقیه در شوون مختلف و تلاش برای اجرایی ساختن فرامین مقام ولایت از جمله ابعاد برجسته‌ی حضور آیت‌الله مهدوی کنی در این نهاد سیاسی-مذهبی است.

#### ۴. کمیته‌ی انقلاب و مدیریت بحران‌ها

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و تسخیر پادگان‌ها، سلاح‌های زیادی به دست مردم افتاد و بیم آن می‌رفت در خلأ وجود نیروی نظامی متمرکز، امنیت کشور به خطر افتد و تهدیدی از این ناحیه متوجه انقلاب شود؛ لذا، امام (ره) در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و تنها یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیامی به ملت ایران فرمودند: «لازم است مردم هرچه زودتر از خیابان‌ها به مساجد و مراکز اجتماع بروند و به فرموده‌ی علمای اعلام و خطبای محترم گوش دهند و بر علمای بلاد است که به مساجد و مراکز عمومی تشریف برده و مردم را دعوت به صلاح و سداد

می کنید؟ شما قبول نمی کنید؟ و... تا قرعه ی فال به نام بنده افتاد. گفتم این کار، کار من نیست و من بلد نیستم اصلا کمیته یعنی چه؟ گفتند: حالا فعلا شما قبول کنید. من گفتم که من به تنهایی نمی توانم این کار را بکنم. آقای مطهری گفتند: من شما را در اوایل کار کمک می کنم...» (خواججه سروی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸)



پس از آن، کمیته های انقلاب اسلامی در سراسر کشور تشکیل و زیر نظر فرمانده کمیته ی مرکزی در تهران به فعالیت پرداختند. از اهم اقدامات کمیته های انقلاب اسلامی در آن مقطع می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. مقابله با توطئه های ضد انقلاب؛ ۲. دستگیری عوامل رژیم گذشته و زندانی کردن آنان و یا تحویل آنها به مراجع قضایی؛ ۳. جمع آوری سلاح های سنگین و سبک در دست مردم؛ ۴. جلوگیری از قاچاق اسلحه؛ ۵. توقیف اموال عوامل رژیم گذشته و تحویل آن به مراجع ذی صلاح؛ ۶. انتظامات و حفظ امنیت شهرها و روستاهای کشور؛ ۷. کشف جرایم و پیگرد متهمان؛ ۸. مراقبت و پاسداری از وزارتخانه ها و مؤسسات اداری؛ ۹. مبارزه با احتکار و گرانفروشی؛ ۱۰. مبارزه با زمین خواری و رباخواری و ارتشا؛ ۱۱. انتظامات انتخابات از جمله انتخابات همه پرسی جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی؛ ۱۲. پاسداری از تمامیت ارضی در مقابل گروه های تجزیه طلب در مناطق مرزی کشور؛ ۱۳. همکاری با ارگان ها و نهادهای دیگر در انجام وظیفه ی محوله؛ ۱۴. کمک به بازسازی ارتش و دیگر نیروهای نظامی و... را می توان بر شمرد.

در زمان مسئولیت ایشان در کمیته های انقلاب، با توجه به جامعه ی انقلابی آن روز و وفور نامنی تصدی این مسئولیت بسیار سخت و طاقت فرسا بود. مدیریت امنیت کشور در شرایط بحرانی نظیر انقلاب، جنگ، خودمختاری در مناطق مختلف کشور، و... تنها صحنه های کوچکی از این مسئولیت خطیر بود. بحران هایی نظیر بحران اصفهان، غائله ی آذربایجان، بحران قهدریجان، بحران تبریز در سال های اول انقلاب توسط نهاد کمیته های انقلاب اسلامی مدیریت شدند. که حضور و نقش آیت الله مهدوی کئی به عنوان فرمانده و نماینده ی حضرت امام (ره) در نهاد کمیته های انقلاب اسلامی را می توان از جمله صحنه های حساس و خطیر انقلاب اسلامی ایران دانست.

## ۵. وزارت کشور و بحران امنیت

با تشکیل دولت موقت نیاز بود تا وزارت خانه توسط شخصیت های انقلابی

و مورد اعتماد مدیریت شوند. از جمله وزراتخانه های مهم و تأثیرگذار که به نوعی متصدی امر امنیت در کشور محسوب می شد، وزارت کشور بود. اجماع نیروهای اسلام گرای شورای انقلاب این بود که این مسئولیت به آیت الله مهدوی کئی سپرده شود. آیت الله در کتاب خاطرات خود این جریان را اینگونه بیان می کند: «قبل از تصدی وزارت کشور در شورای انقلاب بودم. پیش از من آقای هاشمی رفسنجانی مسئولیت فوق را داشتند. دقیقاً نمی دانم وزیر یا سرپرست بودند، ولی چون قرار بود که در انتخابات مجلس نامزد شوند، در شورای انقلاب این بحث پیش آمد که اگر آقای هاشمی در انتخابات شرکت نمایند باید از مسئولیت خود استعفا دهند و طبق مقررات شورای انقلاب می بایست فردی جانشین ایشان بشود. بنابراین پیشنهادهایی در مورد جانشین ایشان ارائه شد. بالاخره مرحوم شهید بهشتی، جناب آقای هاشمی و دیگران گفتند که آقای مهدوی این مسئولیت را بپذیرد. به من گفتند شما قبول می کنید؟ دلیل آنها این بود که مدیریت آقای مهدوی در کمیته خوب بوده و در زمینه ی برقراری امنیت تجربه دارند. دقیق یادم می آید که آقایان می گفتند: چون ایشان کمیته را خوب اداره کرده می تواند وزارت کشور را نیز اداره کند، چرا که وزارت کشور هم با نیروهای انتظامی ارتباط دارد... من عرض کردم نمی توانم این منصب را بپذیرم، برای اینکه احساس می کنم نمی توانم وزیر باشم. چون من سابقه ی این کارها را ندارم من اصلاً این کارها را نکرده ام. گفتند: نه! می توانی. خلاصه من خیلی اصرار کردم که این پست را نپذیرم. ولی آنها خیلی اصرار کردند. حتی در چشمان من اشک جمع شد. گفتم: این مسئولیت بزرگی است،...» (خواججه سروی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶) حضرت امام (ره) نیز در خلال صحبت های خود پذیرفتن منصب وزارت کشور با مسئولیت آیت الله مهدوی کئی را مورد تأیید قرار داده و فرمودند: «... وزارت کشور از وزارتخانه های بسیار وسیع است و بحمد الله در رأسش هم آقای مهدوی واقع شدند که خوب ما از سابق ایشان را ارادت داشتم و حالا هم ارادت داریم و بعدها هم ارادت خواهیم داشت به ایشان...» (صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۵، ص ۱۲۴)

بعد از ریاست جمهوری شهید رجایی و نخست وزیر شهید باهنر (ره)، آیت الله مهدوی کئی دوباره به عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی شد که از سوی مجلس به عنوان وزیر کشور با بالاترین رأی در بین وزرا انتخاب شدند. از جمله مهمترین حوادث این دوره می توان به ترور شخصیت های انقلاب، بحران استان ها، انتخابات پی در پی مجلس و ریاست جمهوری، کارشکنی های بنی صدر، بحران سازی گروهک ها و... را بر شمرد. در تمامی این بحران ها که انقلاب پست سر گذاشت یکی از مهمترین مراکز که تلاش داشت تا این بحران را مدیریت کند وزارت کشور بود که در رأس آن آیت الله مهدوی کئی قرار داشت.

## ۶. انفجار ترور شخصیت های انقلاب

در شهریور سال ۱۳۶۰ در جریان بمب گذاری دفتر نخست وزیری، رئیس جمهور و نخست وزیر به شهادت رسیدند. بی شک بعد از فقدان شخصیت های مهمی چون شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر مدیریت بحران سخت تر می شد. بعد از انفجار در دفتر نخست وزیری، سران قوا و نیروهای انقلاب که جمعی متشکل از آیت الله خامنه ای، حاج احمد آقا، آقای هاشمی رفسنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله مهدوی کئی بود تصمیم بر این شد که تا انتخابات دوره بعدی ریاست جمهوری و انتخاب نخست وزیر و همچنین تشکیل کابینه، آیت الله مهدوی کئی به عنوان نخست وزیر عهده دار امور باشند. در خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی



جدا مطرح بود. روزی ما در راه روی مجلس، جلسه ای داشتیم. جلسه غیر رسمی بود. در آن جلسه: من، مقام معظم رهبری، جناب آقای هاشمی و جناب آقای موسوی اردبیلی بودیم. ظاهراً حاج احمد آقا هم بودند. دوستان در آن جلسه به آقای خامنه ای پیشنهاد دادند که شما نامزد ریاست جمهوری بشوید... قرار شد که بنده و جناب آقای شبانی و آقای عسگر اولادی به منظور احتیاط نیز نامزد ریاست جمهوری شویم... بالاخره یک روز قبل از انتخابات چون بر حسب ظاهر من نیز نامزد شده بودم مثل سایر کاندیدها مصاحبه کردم... در پایان هم گفتم اما با تمام این حرف ها بنده فکر می کنم بهترین کسی که این نقش را می تواند ایفا بکند آیت الله خامنه ای هستند. بنابراین بنده الان اعلام انصراف می کنم و از ملت می خواهم به ایشان رأی بدهند... بعد از اینکه انتخابات تمام شد و آراء اعلام شد و آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری انتخاب شدند. هیئت دولت را تشکیل دادیم... بنده همان جا استعفا نامه ی خودم را نوشتم و برای آیت الله خامنه ای فرستادم. تا دست ایشان در انتخاب نخست وزیر باز باشد... (خواجہ سروی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۵). این رفتار نشان از این دارد که رقابت سیاسی هرگز هدف نیستند بلکه ابزاری برای رسیدن به اهدافی مقدس محسوب می شوند.

#### ۸. حوادث بعد از دوم خرداد، دفاع از ولایت فقیه

بعد از پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، عملاً فضای کشور به یکباره دچار نوعی فضا سازی علیه ارکان و نهادهای انقلابی نظام شد. تلاش روزنامه های زنجیره ای برای تحدید اختیارات ولایت فقیه و مشروط دانستن آن به آراء مردم از جمله اهداف بود که در دستور کار برخی از جریان های سیاسی و روزنامه ها قرار گرفت. برخی از روزنامه ها تلاش کردند با ترویج افکار مختلف فکری و عقیدتی نظیر

به این نکته اشاره شده و تأکید شده که امام (ره) با نخست وزیری آیت الله مهدوی کئی موافق بوده اند: «... جلسه غیر رسمی و غیر علنی برای مشورت در امر نخست وزیری مهندس [میرحسین] موسوی تشکیل شد. مخالفان می گفتند امام نظرشان این بوده که نخست وزیر از حزب نباشد. به اصلح بودن آقای مهدوی کسی تکیه می کردند و موافقان هم جواب دادند» (هاشمی، عبور از بحران، خاطرات روز ششم آبان ۱۳۶۰)

در آن دوره حساس و سرنوشت ساز و بعد از ترور شخصیت هایی نظیر شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، شهید مفتاح، شهید رجایی رحمه الله علیهم و همین طور سوء قصد نافرجام علیه آیت الله خامنه ای و آقای هاشمی رفسنجانی، عملاً امام (ره) و انقلاب نیروهای خدوم و بازوان خود را از دست داده و کشور با کمبود نیروهای اجرایی و مدیر کارآمد مواجه شد. در آن مقطع حساس با اجازه امام (ره) آیت الله مهدوی کئی به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی شده و ایشان با ترمیم کابینه تا استقرار دولت بعدی متصدی امور شدند. امام (ره) نیز در جمع اعضای هیئت دولت به نخست وزیری آیت الله مهدوی کئی به اشاره نقش مهم آنان در ثبات کشور بعد از ترورهایی که منجر به شهادت باران امام و انقلاب شده آنان را به ثبات قدم و ضرورت حفظ جان خود توصیه می کنند. امام (ره) در جمع معرفی اعضای هیئت دولت به نخست وزیری آیت الله مهدوی کئی در بیست امام (ره) فرمودند: «البته این برنامه ای که جنابعالی ذکر کردید، همین برنامه ای است که ما می خواهیم و من امیدوارم که موفق بشوید که برنامه در خارج تحقق پیدا... من می خواستم چند تا نکته را عرض بکنم: یکی اینکه لابد همه آقایان می دانند که در تبلیغات خارج، همه گروهها تقریباً، همه رادیوهای فاسد تبلیغ می کنند که ایران به یک موبی بند است، کانه دیگر اصلاً رفته، دیگر این آخر عمرش هست؛ تمام می شود... نباید هم به هم بخورد، بنا هم ندارد. دلیل بر اینکه این ترورها هر چه باشد، کشور ما را هیچ در آن تغییر نداده، این، این است که یک نخست وزیری ترور می شود، همان روزش نخست وزیر دیگر تعیین می شود؛ یک رئیس جمهور ترور می شود، در موعده قانونی اش یا زودتر شاید، یک رئیس جمهور تعیین می شود...» (صحیفه ای امام (ره)، ج ۱۶، ص ۱۸۷) از نکات قابل توجه این دوره ی بحرانی این است که آیت الله مهدوی کئی هر چند مایل به پذیرفتن این مسئولیت نبودند اما به دلیل شرایط انقلاب و دستور امام (ره) ایشان به عنوان تکلیف آن را پذیرفتند.

#### ۷. ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای

بعد از شهادت مرحوم رجایی (ره)، آیت الله خامنه ای از سوی نیروهای اسلام گرا نامزد انتخابات ریاست جمهوری شدند. آیت الله مهدوی کئی نیز به عنوان نامزد احتمالی ریاست جمهوری اعلام آمادگی کردند که بعد از مدتی بنا به هماهنگی که از قبل بین نیروهای انقلاب وجود داشت و برای اینکه رئیس جمهور منتخب از رأی بالایی برخوردار باشد؛ به نفع آیت الله خامنه ای از دور رقابت انتخابات کنار کشیدند و حتی در برنامه های تبلیغاتی خود آیت الله خامنه ای را اصلح معرفی کردند. هر چند ایشان می توانستند تا آخر باشند و در صدی از آراء را به خود اختصاص دهند و بر طبل رقابت و اختلاف کوبیده و بر این نکته تأکید کنند که تا آخر انتخابات هستیم، در این صورت حتماً اوضاع به گونه ای دیگر رقم خورده و نیروهای اسلام گرا در آن موقعیت حساس دچار تشتت می شدند.

در کتاب خاطرات ایشان در مورد این دوره ی حساس آمده: «در جریان ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای، آنچه یادمانده است، آن است که پس از شهادت آقای باهنر و آقای رجایی، بحث ریاست جمهوری

مخالفت نکن و سکوت کن. من دو تا ایراد گرفتم و گفتم: «من آقای میرحسین را از نظر اقتصادی یک آدم سوسیالیست می‌دانم. ایشان نه فقط در دوران جنگ که اصولاً سبک تفکرش این بود. روی بدی و خوبی این عقیده بحث ندارم، ولی به هر حال ایشان عقیده‌اش این بود. مسئله بعدی هم اینکه ایشان به آقای خامنه‌ای اعتقاد ولایی ندارد. ولایت آقای خامنه‌ای مثل ولایت بوش و مانوتسه تونگ نیست. مردم آنجا هم آنها را رهبر می‌دانند، ولی ما آقای خامنه‌ای را به معنای عام و آنچه که در دنیا مرسوم است، رهبر نمی‌دانیم، بلکه می‌گوییم ایشان نائب امام زمان «عج» است و نوعی تقدس برای این جایگاه قائلیم. این تقدس، در نظام ما کارساز است و ما بر اساس این اعتقاد دنبال کسی می‌رویم. مردم هم با همین اعتقاد در زمان امام بچه‌هایشان را به جبهه‌ها می‌فرستادند و شهید می‌دادند. آقای میرحسین به این اعتقاد ندارد. ممکن است بگویند رهبری را در قانون اساسی قبول دارد، ولی این برای ما کافی نیست.» آقای آقا زاده گفت: «در زمان امام ایشان را قبول نداشت، چون امام رهبر بود، ولی الان که ایشان رهبر شده‌اند، قبولشان دارد.» گفتیم: «خیر، این نوع رهبری را که ما می‌گوییم، ایشان قبول ندارد» گفت: «دارد» گفتیم «ندارد و خواهی دید.» (۳) به نظر می‌رسد که حوادث و تحولات بعد از انتخابات به خوبی نشان داد که این پیش‌بینی آیت الله مهدوی کتی صحیح بوده و مشکل اصلی اصحاب فتنه عدم فهم درست و عمیق از مبانی ولایت فقیه و جایگاه آن در نظام اسلامی بود.

#### ۱. ریاست مجلس خبرگان رهبری

ریاست مجلس خبرگان رهبری از ابتدا با ریاست آیت الله مشکینی (ره) جایگاه و عظمتی دو چندان یافت. بی شک ویژگی‌های شخصیتی و شأن فقهانی آیت الله مشکینی (ره) باعث شد تا عملاً هیچ کس در زمان حیات ایشان در صدد رقابت با ایشان برای ریاست مجلس خبرگان نباشد، البته باید به این دلایل قداست اعضای مجلس خبرگان رهبری و عدم روحیه قدرت طلبی را نیز افزود. با رحلت آیت الله مشکینی (ره) عملاً خلاء دو ویژگی بارز اخلاقی و فقهانی آن شخصیت بزرگ در جایگاه ریاست مجلس خبرگان رهبری پیش از پیش ملموس بود.

مجلس خبرگان رهبری بعد از رحلت آیت الله مشکینی به ریاست آیت الله هاشمی رفسنجانی رأی داد. در دو دوره ای که آیت الله هاشمی رفسنجانی برای ریاست مجلس خبرگان اعلام آمادگی کردند، حضرات آیات جنتی و یزدی نیز به عنوان رقیب در انتخابات ریاست مجلس خبرگان شرکت کردند که آیت الله هاشمی رفسنجانی هر بار با کسب آرای نزدیک به ۵۰ نفر از اعضا، به ریاست مجلس خبرگان رهبری برگزیده شدند.

یکی از خصوصیات سیاسی آیت الله مهدوی کتی آن بوده که هیچگاه در هیچ انتخاباتی اعلام حضور ننموده و برای پذیرفتن منصبی اعلام آمادگی نمی‌کردند. در زمان رحلت آیت الله مشکینی (ره) ایشان عضو مجلس خبرگان نبودند. با رحلت آیت الله مشکینی و برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس خبرگان رهبری، آیت الله مهدوی کتی به عنوان منتخب مردم تهران به مجلس خبرگان رهبری راه یافتند. حتی در این مرحله نیز با اصرار شخصیت‌هایی نظیر آیت الله یزدی ایشان راضی به کاندیدا شدن برای مجلس خبرگان شدند. بعد از راهیابی آیت الله مهدوی کتی به مجلس خبرگان زمزمه‌ها برای ریاست ایشان شروع شد که ایشان با توجه به جایگاه آیت الله هاشمی رفسنجانی و به دلیل احتمال سوء استفاده دشمنان از اختلافات روحانیون مجلس خبرگان از این موضوع صرف نظر کرده و آن را مسکوت گذاشتند. بعد از انتخابات ۱۳۸۸ و انتقادات گسترده نسبت

اختلاف قرائت‌ها زمینه‌های تحدید اختیارات ولایت فقیه را فراهم سازند. از جمله شخصیت‌هایی که در این دوره تلاش کردند با سخنرانی‌ها و نگارش مقالات متعدد به مقابله با این جریان برخیزند، آیت الله مهدوی کتی بود. ایشان در کتاب خاطرات خود در خصوص این جریان‌ها می‌گویند: «من در سخنرانی شب احیاء گفتم، ما در این راه (دفاع از ولایت فقیه) تا پای شهادت ایستاده ایم و در مسئله‌ی ولایت کوتاه نمی‌آیم. شما برای اینکه ولایت فقیه را زیر سؤال ببرید چرا ولایت علی علیه السلام را زیر سؤال می‌برید؟ چرا ولایت خدا را زیر سؤال می‌برید؟ آخر حیا هم خوب چیزی است و بی حیایی هم اندازه دارد. هر چیزی حدی دارد؛ بعد گفتم آیا شما در زمان امام (ره) جرئت می‌کردید این حرف‌ها را بزنید، چرا شما نان را به نرخ روز می‌خورید؟ در آن زمان در خط امام بودید، این امام همان امامی است که ولایت فقیه را به صورت مطلق و عام قبول داشت. نظریه‌ی امام در سخنان وی در صحیفه‌ی نور مکرر آمده است، ولی امروز احساس امنیت می‌کنید و جانشین او را زیر سؤال می‌برید، ... در واقع ولایت در مقام اجراء، روح حکومت و موجب قوام آن در برابر انحرافات است و در واقع ولایت، عمود نظام اسلامی و انقلاب دینی ما است و اعمال آن بدون حفظ ساختار قانونی، نامعقول و ناممکن است و در حقیقت این ساختار مورد تأیید والی است و نظام ولایی بدون این ساختار عملاً غیر میسر و اصولاً ولایت بدون آن مفهوم و معنا ندارد...» (خواجeh سروی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹)



به این ترتیب آیت الله مهدوی کتی به عنوان یکی از شخصیت‌های بر خاسته از روحانیت اصیل شیعی در مقابل هجمه‌ها علیه ولایت فقیه ایستاده و تلاش کردند با زبان و قلم خود از این ستون خیمه‌ی انقلاب محافظت کنند.

#### ۹. فتنه‌ی ۸۸

با وقوع وقایع بعد از انتخابات ۱۳۸۸، بسیاری از خواص لغزیدند و در ورطه‌ی مخالفت با ولایت یا سکوت در برابر خواسته‌های رهبری افتادند. در این بین از جمله شخصیت‌هایی که از ابتدا در مقابل این جریان عمارگونه ایستاد و تلاش کرد با تبیین صحیح اوضاع از جایگاه ولایت حفاظت کنند شخصیت آیت الله مهدوی کتی بود. ایشان در قالب سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها، بر این نکته تأکید کردند که مهمترین مشکل اصحاب فتنه این بود که در مقابل ولایت فقیه ایستادند. ایشان در ضمن خاطره‌ای این نوع نگرش اصلاح طلبان و میرحسین موسوی را اینگونه بیان می‌کنند: «آقای آقا زاده قبل از انتخابات ۸۸ پیش من آمد و گفت: «شما با آقای میرحسین موسوی

## پ: احکام دریافتی از امام و رهبری

آیت الله مهدوی کئی از جمله شخصیت هایی بودند که از سوی امام (ره) و مقام معظم رهبری مسئولیت های مختلف پذیرفتند. این مسئولیت ها؛ علاوه بر نقش و قابلیت ایشان، نشان از اعتماد و اطمینان رهبران نظام جمهوری اسلامی به این شخصیت دارد. با مروری بر موضوعات احکام صادره به نام ایشان مشخص می شود که در بیشتر این موارد، ایشان به عنوان بازوان امام (ره) و رهبری حضور یافته و تلاش حداکثری در مسئولیت های مختلف نموده اند.

### ۱. فقیه شورای نگهبان

آیت الله مهدوی کئی سابقه ی دو دوره عضویت در شورای نگهبان از سوی حضرت امام (ره) را دارد که نشان شأن فقهی ایشان در نزد حضرت امام (ره) دارد. «بسم الله الرحمن الرحيم. جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی کئی - دامت افاضاته طبق اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورایی تشکیل می شود و انتخاب اعضای فقهای آن شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده این جانب می باشد، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم. از خدای تعالی موفقیت هر چه بیشتر شما را امیدوارم. روح الله الموسوی الخمينی». (صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۶، ص ۱۰۱)

همچنین زمانی که آیت الله مهدوی کئی وزیر کشور شدند به دلیل تراحمی که بین فقاقت شورای نگهبان و وزارت کشور وجود داشت، ایشان از محضر حضرت امام (ره) برای انتخاب یکی از این دو مسئولیت استفتاء کردند که حضرت امام (ره) حضور ایشان در شورای نگهبان را ترجیح دانستند. (صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۳، ص ۱۷۰).

### ۲. نماینده ی امام در حل اختلاف بین سران قوا

در جریان اختلاف بین شهید بهشتی (ره) و ابوالحسن بنی صدر و شهید رجایی (ره)، امام تصمیم گرفتند با تشکیل هیئت حل اختلاف آرامش را به کشور بازگردانده و از شکل گیری زمینه ی وقوع فتنه ها و بحران احتمالی بعدی جلوگیری نمایند، از این رو تصمیم بر این شد هر یک از طرفین اختلاف، نماینده ای را جهت بررسی و حل اختلاف تعیین نمایند. از سوی حضرت امام خمینی (ره)، آیت الله مهدوی کئی انتخاب شده و به عنوان نماینده ی حضرت امام (ره) در هیئت حل اختلاف حضور داشتند. حکم حضرت امام (ره) به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم. جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی کئی - دامت افاضاته

جنابعالی را به نمایندگی خویش تعیین نمودم تا بسا نماینده ای که جناب آقای بنی صدر و نماینده دیگری که جناب حجت الاسلام آقای بهشتی و جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی و جناب آقای رجایی تعیین می نمایند، موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی بنمایند؛ و نیز در زمان جنگ که زمانی استثنایی است، به اقوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور می شود رسیدگی بنمایند. و نیز در همین زمینه، مطبوعات و رسانه های گروهی را مورد بررسی قرار دهید، تا هر کس و هر چه به حسب رأی اکثریت متخلف و تخلف به شمار آمد در مرتبه اول به آنان تذکر دهید تا در اصلاح خود بکوشند؛ و در مرحله بعد به وسیله رسانه های گروهی به مردم شریف کشور معرفی، و در تمام موارد فوق به



به رفتار و عملکرد آیت الله هاشمی رفسنجانی، اعضای خبرگان رهبری به دنبال تغییر ریاست مجلس خبرگان بوده و تلاش کردند تا آیت الله مهدوی کئی را برای پذیرفتن این منصب متقاعد سازند.

در همین حین، بسیاری از خبرگزاری ها و رسانه های داخلی و خارجی با دامن زدن به این موضوع تلاش کردند تا از آن بحرانی جدید در کشور بسازند. آیت الله مهدوی کئی در ابتدا با نپذیرفتن این موضوع، تلاش کردند تا از به وجود آمدن اختلاف و بحرانی دیگر در کشور پرهیز کنند. اما با اصرار اعضای مجلس خبرگان این موضوع ابعاد جدیدتری یافت. در نهایت با قبول آیت الله هاشمی رفسنجانی مبنی بر عدم کاندیداتوری برای ریاست مجلس خبرگان، آیت الله مهدوی کئی اعلام آمادگی کرده و در نطق ابتدایی خود تلاش کردند رسانه ها داخلی و خارجی معاند و دشمنان نظام را مأیوس ساخته، اثرات این جایابی را به حداقل برسانند. ایشان در اولین نطق خود در جایگاه ریاست مجلس بیان داشتند که کاندیداتوری ایشان بر اساس احساس وظیفه بوده و از آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان یاور دیرین خود در دوران قبل و بعد از مبارزه نام بردند. آیت الله مهدوی کئی نظارت بر رهبری را پاسداری و صیانت از رهبری ذکر کردند و گفتند: این امر مهم به عهده خبرگان رهبری است و نباید بگذاریم دشمنان، این عمود خیمه انقلاب را بشکنند.

مقام معظم رهبری نیز در دیدار خود با اعضای مجلس خبرگان رهبری، این نحوه مدیریت افکار عمومی در تغییر ریاست مجلس خبرگان رهبری را بسیار داهیان و انتخاب آیت الله مهدوی کئی به این منصب را بسیار به جا و به حق توصیف کردند. ایشان با تشکر از خبرگان عالی شأن امت، به ناکام ماندن دشمنان در قضیه انتخاب هیأت رئیسه مجلس خبرگان اشاره کردند و با قدردانی از اعضای خبرگان فرمودند که دشمنان انتظار داشتند میان خبرگان اختلاف بوجود آید و مسابقه خدمت به رقابت منفی برای تصرف موقعیت ها و جایگاه ها تبدیل شود اما به برکت اخلاص خبرگان و عقل و تدبیری که در رفتارها و گفتارها مشاهده شد، این مسئله به فضل الهی، به خیر اسلام و جمهوری اسلامی تبدیل شد. حضرت آیت الله خامنه ای، همچنین انتخاب آیت الله مهدوی کئی را به ریاست مجلس خبرگان، انتخابی بجا و به حق خواندند و بیان کردند که ایشان از ابتدای انقلاب تا امروز در همه عرصه ها از جمله روحانیت - سیاست - مسائل جاری کشور - «حوزه و دانشگاه» و دیگر عرصه ها، شخصیت برجسته و بارزی بوده اند. (۴) آیت الله مهدوی کئی نیز همواره بر نقش و اهمیت جایگاه ولایت فقیه و مصداق آن تأکید داشته و تلاش می کنند از این جایگاه به صورت حداکثری محافظت نمایند.

و بیمارانه‌ای مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به وسیله عوامل استکبار جهانی و حزب بعث علفی عراق، ناچار نیاز به کمکهای فوری و ضربتی احساس می‌شود. در این رابطه لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت زده و داغ‌دیده را بدون وقفه برآورده سازد. لازم به تذکر است که به متصدیان و مأموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود که با احترامات فایقه با این عزیزان مظلوم برخورد گردد... کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی، اعم از وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه، خصوصاً وزارت صنایع و بازرگانی، موظف‌اند همکاریهای لازم را مبذول دارند... لازم است جنابعالی این جانب را از جریان امور، و خدای نخواستہ اگر در تحقق اهداف فوق به مانعی برخوردید، مستحضر نمایید. از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله. ۱۴ مهر ۶۲ روح الله الموسوی الخمينی» (صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۸، ص ۱۸۰)

### ۵. نماینده ی امام (ره) و رهبری در ستاد انقلاب فرهنگی

با وقوع انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها، حضرت امام (ره) با تشکیل ستادی تلاش کردند آن را مدیریت نموده و موقعیت موجود را با توجه به نیازهای انقلاب اسلامی تطبیق دهند. وجود شخصیت هایی با تفکر اصیل اسلامی و مورد اعتماد از جمله مقتضیات اعضای این ستاد بود. آیت الله مهدوی کنی از شخصیت هایی بودند که از سوی حضرت امام (ره) برای این مهم در نظر گرفته شدند. بازنگری در دروس دانشگاه ها، تلاش برای اسلامی سازی محیط و محتوای دانشگاه ها، اندارج دروس دینی و اسلامی در محتوای آموزشی از جمله اهداف اولیه ی این ستاد بود. حکم امام (ره) به آیت الله مهدوی کنی به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی - دامت افاضاته. بدین وسیله جنابعالی را به عضویت ستاد انقلاب فرهنگی منصوب می‌نمایم. امید است با همکاری و همفکری با اعضای محترم این ستاد و نیز افراد صاحب نظر متعهد و اساتید و دانشجویان محترم و مسئول در هر چه سریعتر بازگشایی دانشگاه های کشور کوشش نمایید. ان شاء الله ملت شریف ایران در آینده‌ای نزدیک، شاهد فعالیت علمی دانشگاه ها در سراسر ایران باشند. توفیق جنابعالی و سایر اعضای محترم و همه افرادی که در این زمینه کوشش می‌نمایند را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم. دوم دی ماه ۱۳۶۰. روح الله الموسوی الخمينی» (صحیفه امام (ره)، ج ۱۵، ص: ۴۴۵)

همچنین آیت الله مهدوی کنی از سوی مقام معظم رهبری نیز به عنوان یکی از اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی در دوره های بعد منصوب شدند.

### ۶. نماینده و ناظر از حاکم شرع در مدرسه ی

#### مرو و موقوفات آن

مدرسه ی مروی و موقوفات آن از جمله مدارس مهم دروس حوزوی در تهران است. حضور طلاب و مدرسین متعدد آن را تبدیل به یکی از مهمترین حوزه های کشور ساخته است. در متن وقف نامه ی این مدرسه قید شده که نظارت بر این مدرسه و تولید آن باید به دست فقیه‌ی مجتهد و عادل باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام ولایت فقیه لازم بود تا تولید این مدرسه و متعلقات آن توسط ولی فقیه زمان امضاء شود. حضرت امام خمینی (ره)، آیت الله مهدوی کنی را برای این مهم در نظر گرفتند. متن این حکم نشان از اعتماد عمیق و وثیق امام (ره) به آیت الله مهدوی کنی دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

دادستان کل کشور گزارش دهید. ... انتظار می‌رود که آنچه را به عهده آقایان گذاشته شده است، که یک تکلیف شرعی است، قاطعانه و بدون غمض عین عمل نمایند... روح الله الموسوی الخمينی) صحیفه امام (ره)، ج ۱۴، ص: ۲۵۰.

بدیهی است در این برهه ی حساس حضور شخصیتی که وابستگی حزبی نداشته و بتواند به عنوان نماینده ی حضرت امام (ره) در هیئت حل اختلاف حضور پیدا کند مهم و ضروری می‌نمود.



### ۳. نماینده امام در سازمان بهزیستی کشور

در جریان دفاع مقدس و بروز مشکلات ناشی از جنگ، سازمان بهزیستی کشور نیازمندی های مالی فراوانی پیدا کرد. از این رو حضرت امام (ره) با انتصاب آیت الله مهدوی کنی به این سمت تلاش کردند تا با نظارت فقیه‌ی عادل، از سهمین برای این منظور استفاده کنند. با درخواست سازمان بهزیستی، حضرت امام (ره) آیت الله مهدوی کنی را برای این منظور در نظر می‌گیرند. حضرت امام (ره) در پاسخ به درخواست وزیر مشاور و رئیس سازمان بهزیستی کشور در مورد استفاده از سهم امام (ع) برای رفع مشکلات مجروحین و معلولین با نظارت جناب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی اعلام می‌دارند: «بسمه تعالی با نظارت ایشان، مورد قبول است. ایشان مورد تأیید و اعتماد می‌باشند. از خداوند متعال توفیق آقایان را خواستارم. روح الله الموسوی الخمينی» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۳۳۵)

### ۴. نماینده ی امام (ره) در ستاد کمک‌رسانی

#### به مردم مناطق بمباران شده

با شدت گرفتن حملات رژیم بعث در خاک ایران و بمباران مناطق مسکونی، مشکلات و مصائب مختلفی برای جامعه ایجاد شد که خود می‌توانست تبدیل به زمینه ای برای بحران های بعدی شود. مشکلات و موانع در کمک رسانی، حملات پی در پی رژیم بعث عراق و عوامل دیگر اوضاع را برای امداد مختل ساخته بود. از این رو حضرت امام (ره) با صدور حکمی آیت الله مهدوی کنی را به ریاست ستاد کمک رسانی به مناطق بمباران شده و جنگ زده منصوب کردند و از ایشان خواستند با جدیت این امر را دنبال کنند.

«بسم الله الرحمن الرحيم. جناب مستطاب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی - دامت افاضاته

با توجه به حوادث ناگوار فوق العاده ناشی از حملات وحشیانه موشکی

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا کنی - دامت افاضاته

با حسن تدبیر و مدیریت و وثاقت و امانت که در جنابعالی محرز است، مناسب دیدم برای تصدی امور مدرسه مروی با تمام متعلقات آن از موقوفات و غیرها به جنابعالی زحمت دهم. لهذا جنابعالی را به سمت متولی مدرسه مروی و موقوفات و کتابخانه و آنچه متعلق به آن است منصوب نمودم. امید است خداوند تعالی به جنابعالی توفیق مرحمت فرماید، در تمسیت امور آنجا خصوصاً تقویت جنبه‌های علمی و تقوایی و تربیت فضلا و علما. ان شاء الله تعالی علما و مدرسین تهران- دامت برکاتهم- کوشش نمایند در تعلیم و تربیت طلاب محترم مدرسه و با رفت و آمد خودشان چنانچه سیره سلف صالح- رحمهم الله- بود این مدرسه را با علم و عمل روشنی بخشند. از خداوند تعالی تأیید و توفیق جنابعالی را خواستار و امید است با عنایات خاصه بقیه الله- ارواحنا لمقدمه الفداء- در این مقصد مهم شرعی کامیاب باشید. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی «صحیفه امام (ره)، ج ۱۹، ص ۱۱۲»

#### ۷. حل مشکلات سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی از جمله نهادهایی بوده که با وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. این سازمان در ابتدا توسط شورای عالی اداره می شد. مشکلات اداری و مالی و مدیریت شورایی این سازمان باعث شده بود که عملاً این سازمان در نیل به اهداف خود ناتوان باشد. از این رو به پیشنهاد آیت الله مهدوی کنی قرار شد برای برون رفت از این مشکلات؛ طرحی نوشته شده و با قید مشکلات این سازمان و اصلاح موارد، خدمت امام (ره) ارسال گردد. با صحبت آیت الله مهدوی کنی و تشریح مشکلات، به پیشنهاد آیت الله مهدوی کنی، آیت الله جنتی به ریاست این سازمان منصوب از سوی حضرت امام (ره) شدند. امام (ره) در پاسخ به نامه ی آیت الله مهدوی مرقوم داشته اند: «بسم الله الرحمن الرحیم. جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدوی کنی - دامت افاضاته. با سلام و دعا برای وجود جنابعالی. آنچه مرقوم داشته‌اید:

۱- از طرف این جانب مانعی نیست که طی حکمی جناب حجت الاسلام آقای جنتی را مسئول سازمان تبلیغات اسلامی بنمایم، مشروط بر اینکه مسأله را پیش آقایان اعضای محترم سازمان تبلیغات طرح کنید که خدای ناکرده آقایان نگران نشوند.

۲- در مورد صرف سهم مبارک امام- علیه السلام- آنچه نزد خود شما می‌آید، جنابعالی مختارید هر گونه صلاح می‌دانید عمل کنید. و نیز اجازه می‌دهم تا آن کسانی که از من در سهم اجازه دارند به همان میزان اجازه‌شان در صورت تمایل از طریق جنابعالی صرف در تبلیغات اسلامی نمایند... روح الله الموسوی الخمینی «صحیفه امام (ره)، ج ۲۱، ص: ۲۷۱»

#### ۸. انتصاب از جانب امام (ره) در شورای بازنگری در قانون اساسی

همچنین در جریان بازنگری قانون اساسی از جمله شخصیت‌هایی که با حکم امام (ره) در شورا حضور داشته و از طرف ایشان به این مقام منصوب شدند، آیت الله مهدوی کنی بودند.

#### ۹. ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد

همچنین در سال ۱۳۶۸ آیت الله مهدوی کنی از سوی مقام معظم رهبری

مسئول مرکز رسیدگی به امور مساجد سراسر کشور شدند. حضور ایشان در جامعه روحانیت مبارز و تشکیل شبکه‌ای از روحانیون مورد اعتماد و خدمت در سراسر کشور و تلاش برای برطرف کردن مشکلات و موانع فرهنگ مسجد در کشور از جمله اقدامات آیت الله مهدوی کنی در این مرکز بوده است. در حکم مقام معظم رهبری برای آیت الله مهدوی کنی نکات مهمی نهفته است:

«بسم الله الرحمن الرحیم

آیت الله جناب آقای مهدوی کنی دامت برکاته

مراجعات متعدد از سوی مرتبیین با مساجد تهران من جمله ائمه جماعت، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم حاکی از فقدان مرکز و مرجع مقبول و آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است. شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگی جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است. لذا شایسته است جنابعالی که بحمدالله برخوردار از وجاهت و قبول و حرمت در نزد حضرات آقایان ائمه جماعت مساجد شهر تهران می‌باشید با تعیین مرکزی و نمایندگانی به مهمی مساجد پرداخته و در موارد لازم با کمک و حمایت از برنامه‌های اسلامی در مساجد و یا لدی‌الاقضاء با نصب امام جماعت و دیگر مسؤولین مربوط به مساجد، به رونق و کارآئی و شکوفائی هر چه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک نمائید توفیق متزاید جنابعالی را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم والسلام علیکم و رحمه‌الله. سید علی خامنه‌ای ۶۸/۷/۱۷»

#### ۱۰. عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام

در ترکیب دوره‌های اول و دوم مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت الله مهدوی کنی از جمله شخصیت‌هایی بودند که از سوی مقام معظم رهبری به عضویت در این شورا منصوب شدند. سابقه‌ی مدیریت اجرایی در وزارت کشور و نخست‌وزیری و عضویت در شورای نگهبان و ستاد شورای انقلاب فرهنگی و ... بی‌شک در زمینه‌سازی این انتصاب بی‌تأثیر نبوده است. در هر دو دوره آیت الله مهدوی کنی از سوی مقام معظم رهبری به عنوان شخصیت حقیقی منصوب شده‌اند. آیت الله مهدوی کنی در مورد نقش و جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام معتقدند: «همین اعمال ولایت را هم باز امام بردند به مجمع تشخیص مصلحت نظام که بازوی اعمال ولایت است و هنگامی که بین مجلس و شورای نگهبان اختلافی روی می‌دهد، مجمع تشخیص مصلحت تصمیم می‌گیرد. این همان اعمال ولایت است که به صورت قانونی هم درآمده است.» (۶)

#### ۱۱. تربیت نخبگان، دانشگاه امام صادق علیه السلام

دانشگاه امام صادق علیه السلام از جمله نهادهای غیر دولتی می‌باشد که طبق اساسنامه‌ی آن ریاست این دانشگاه از سوی مقام ولایت فقیه منصوب شده و رئیس دانشگاه در حکم نماینده‌ی ولی فقیه می‌باشد. از ابتدای تأسیس این دانشگاه تا به امروز ریاست این دانشگاه از آن آیت الله مهدوی کنی و با اجازه‌ی امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده است. یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مهدوی کنی در کنار ابعاد سیاسی، اجرایی و مدیریتی؛ بعد فرهنگی، اخلاقی و تربیتی ایشان است. ایشان بعد از استقرار ارکان نظام اسلامی و برقراری نسبی در مدیریت کشور، از امور اجرایی کناره‌گیری نموده و تلاش خود را در عرصه‌ی علمی و فرهنگی متمرکز ساختند. تلاش در حیطه‌های علمی و و پرورش نیروی نخبه در حوزه‌ی



(ره) و مقام معظم رهبری همواره مورد اعتماد بوده و در بره های حساس و خطیر از آنها به عنوان بازوان خود استفاده می کردند.

۶. شخصیت آیت الله مهدوی کنی از جمله ی این شخصیت هاست که هرگاه نظام و جایگاه ولایت فقیه در خطر افتاده و نیازمند مساعدت و محافظت بوده اند حضوری فعال داشته و تلاش کردند تا از خود هزینه کنند.

۷. حضور فعال و سرنوشت ساز آیت الله مهدوی در بحران های زمان حیات امام (ره) و پس از آن در زمان رهبری آیت الله خامنه ای نشان از جایگاه این فقیه مجاهد دارد.

۸. مروری بر احکامی که از سوی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به این شخصیت و مسئولیت هایی که ایشان در طول دوران مبارزه تا به امروز پذیرفته اند دلیلی بر این مدعاست. ایشان مرد بحران ها هستند.

پی نوشت:

۱. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۰۰۹۱۳۰۰۰۲۴۵>، همچنین به نقل از مجله ی پاسدار اسلام.

۲. <http://www.snn.ir/NSite/FullStory/News?Serv=۱۹۲۲۵۹&Id=۳> و سایت بسیج دانشجویی

دانشگاه امام صادق علیه السلام. <http://basijisu.ir/portal/post.php?sid=۸۹۰۹۲۰۲۱۲۸۱۱&id=۹۱۰۴۰۱۱۳۴۲۳۶>

۳. <http://www.khabaronline.ir/detail/۱۸۷۹۱۳>

۴. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۱۶۲۰>

۵. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۲۰۰>

۶. <http://www.tabnak.ir/pages/?cid=۱۳۱۳۳>

۷. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۲۸>

#### منابع:

♦ جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، جریان و سازمان های مذهبی - سیاسی (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷؛ تهران: مؤسسه خانه کتاب.

♦ حسینیان روح الله، (۱۳۸۳)، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران ۱۳۴۳-۱۳۵۶؛ تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

♦ خواجه سروی غلامرضا، (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی؛ تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

♦ خواجه سروی غلامرضا، (۱۳۸۵)، خاطرات آیت الله مهدوی کنی؛ تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

♦ خمینی (ره) روح الله امام، ولایت فقیه؛ (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سیزدهم.

♦ دارابی، علی (۱۳۷۹)، سیاستمداران اهل فیضیه (بررسی و نقد پیشینه و عملکرد جامعه روحانیت مبارز تهران)؛ تهران: انتشارات سیاست.

♦ دارابی، علی (۱۳۸۸)، جریان شناسی سیاسی در ایران؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

♦ کردی، علی (۱۳۸۳)، استاد به روایت اسناد؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

♦ کردی علی (۱۳۸۵)، زندگی و مبارزات شهید دکتر آیت الله بهشتی؛ تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

علوم انسانی و تربیت نخبگانی در حیطه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و .. برای نظام و جامعه ی اسلامی از جمله تلاش هایی ایشان محسوب می شود.

تأسیس و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام که اکنون تبدیل به یکی از دانشگاه های معتبر در داخل و خارج از کشور شده و توانسته صدها متخصص در حوزه های مختلف علوم انسانی به جامعه عرضه کند؛ خود یکی از نمادهای مجاهدت این شخصیت می باشد که بی شک ثمره ی اخلاص ایشان است.

مقام معظم رهبری در عید غدیر ۱۳۸۴ در جمع اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه امام صادق علیه السلام این دانشگاه را پدیده ای ممتاز تلقی کرده و بیان کردند: «اما راجع به دانشگاه امام صادق؛ ببینید آقایان! دانشگاه امام صادق یک پدیده ی ممتاز است؛ صرفاً یک دانشگاه مثل بقیه ی دانشگاه ها نیست که فقط می خواهند دانشجو و عالم تربیت کنند؛ این هم هست؛ منتها علاوه ی بر این، می خواهد از همه جهت، یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه های ایمانی، رعایت های عملی و رفتاری، و عشق به علم و علم آموزی عاشقانه و مؤمنانه. این که امام می فرماید: «من دوست داشتم بر سر شاگردان تازه ناه ها بلند می شد، برای این که اینها را به علم بکشانند»، این معنایش چیست؟ علم را اسلام قدسیت بخشیده، علم یک امر مقدس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیت است.

این طور نیست که علم مثل هر ابزار دیگری، فقط وسیله ای برای پول در آوردن باشد - حالا پول هم از آن در می آید - اما قدسیت علم باید حفظ شود؛ «العلم نور»؛ نور بودن علم باید مورد نظر باشد و از جمله ی شئون دانشگاه اسلامی، یکی همین است. همه خیال می کنند دانشگاه اسلامی که می گوئیم، یعنی حجاب ها این طوری باشد، پسر ها آستین کوتاه پوشند و زلف ها بلند نباشد؛ اینها که معنای دانشگاه اسلامی نیست! دانشگاه اسلامی از لحاظ ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم آموزی مؤمنانه، اینها شرط دانشگاه اسلامی است. آن وقت جهت دادن؛ جهت دادن به این علم آموزی؛ که بهترین کاری که در دانشگاه شد، یکی همین بود که این دانشگاه را مخصوص علوم انسانی کردند؛ که این منطقی واقعاً

خلأ و فراغی بود؛ یک خلأ است که آن باید پر شود. خوب، اگر شما که دانشجوی این دانشگاه هستید و در این بیست و چند سالی که این دانشگاه سرپاست، توانسته باشد این رسالت را انجام دهد - که یک نمونه ی دانشگاه و متخرّجین دانشگاه، به صورت مطلوب و اسلامی فراهم بیاورد - این دانشگاه به دستاورد بسیار بزرگی رسیده است. این دانشگاه، این است. از این دانشگاه، توقع چیز دیگر و فراتر از این است ...» (۷)

#### جمع بندی:

۱. جوامع همواره محمل بحران ها بوده و هستند.

۲. بحران های سیاسی در یک جامعه تأثیرات بیشتری بیشتری داشته و تا مدت ها باقی خواهند ماند.

۳. رهبران جوامع برای مدیریت بحران ها باید از یاران و بازوان مورد اعتماد و اطمینان استفاده نمایند تا از این طریق خسارت ها را به حداقل رسانده و آن را مدیریت کنند.

۴. در جریان وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی، بحران ها و فتنه های مختلف و متعددی به وقوع پیوستند که، امام (ره) و مقام معظم رهبری تلاش کردند تا این بحران ها و فتنه ها را مدیریت نموده و نظام اسلامی را محافظت نمایند.

۵. در این بین اشخاص و شخصیت هایی وجود داشته اند که از سوی امام



www.didban.ir

| www.didban.ir